اوضاع ایران

حمیرهء انسانی بر آن قابل و مستعدّ نمیباشد.طبیعت این قوّهء مدرکع را بکمتر کسانی ارزانی داشته است و این اشخاص نیز فقط وقتی میتوانند بطون‏ و خفایای افکار خودشان را بعرصهء شهور بیاورند که برای این کار فرصتی‏ داشته باشند و مثلا والدین آنها مانع پیشرفت کار آنها نباشند.مسئلهء بسیار مهمّ و جان کلام در اینجا است که:

علم و قدرت اشخاص منفرد بتنهائی نمیتواند استحکام‏ یک مملکتی را فراهم آورد و برای این مقصود اکثریّت‏ ملّت باید بطیب خاطر پشیبان قوای منفردهء بزرگ مزبور باشد.وجود بزرگان چند و نوابع معدود در میان یک‏ قوم دلیل علوّ تمدّن آن قوم نتواند بود بلکه همراهی‏ و پیروی عموم ملّت را بر بزرگان دلیل و حاکی علوّ تمدن‏ آن قوم باید دانست.

یک مزرعهءای که شخم و شیار خواهد شد بهراندازه که بزرگ و وسیع باشد بهمان اندازه نیز منابع آب زیاد و رودخانه‏های متعدّد لازم‏ دارد که بخوبی از عهدهء آبیاری آن مزرعه برآید.یک ملتی که میخواهد بشاهراه ترقّی حقیقی بیفتد نیز بعینه حکم آن مزرعه را دارد.هر ملّتی بهر مقدارا که پر جمعیّت و بزرگ باشد بهمان مقدار نیز منابع تحصیل و وسایل‏ تعلیم از قبیل مدرسه،مطبعه،کتابخانه،موزه و غیره و علما و دانشمندان‏ لازم دارد.

یکی از وسایل تربیت ملّت آلمان اتّساع دایرهء مطبوعات است. در ممالک آلمان بانواع مختلف روزنامه و مجلّه نشر میشود.برحسب‏ احصائیهء سال 1320 هجری فقط در برلن بالغ بر یک هزار و صد روزنامه نشر میشده است.و چون از طبقات عالی گرفته تا طبقات‏ سافل هرکسی روزنامه میخواند لهذا کثرت نشر روزنامه‏ها بجهت تربیت‏ افکار و تهذیب اخلاق عموم وسیلهء خوبیست.یک عدّهء معتنائی از محرّرین‏ بزرگ آلمان بروزنامه‏های معتبر مقالات اساسی فرستاده انتشار میدهند. این محرّرین در حقیقت زمام افکار ملّت را در دست خود نگاه داشته‏اند و بعدها بمرور زمان همین محرّرین داخل دار الفنونها شده سمت معلّم بزرگی‏ پیدا میکنند و وجود چنین معلمهای بزرگ بجهت دار الفنونها مایهء افتخار و زینت میباشد.مقالات علمی صحّی و اخلاقی که در روزنامجات و مجلاّت‏ آلمان هرسال طبع میشود بسیار مفید است.گوته‏1شاعر معروف آلمان‏ گفته است که روزنامه خزینهء اطّلاعات است.شاعر مشار الیه خوب ملتفت‏ شده است که خدمت روزنامه در تفهیم مقاصد و در تعلیم و تربیت دادن‏ عموم بمراتب بهتر و بالاتر از خدمت ناطقین و خطبا میباشد که در داخل یک محوّطه و یا در حضور یک عدّهء معیّنی نطق و صحبت میکنند اما روزنامه یک مقاله که نشر میکند در حقیقت بمثابهء آن است که در (1) Goethe

حضور سرتاسر مملکت نطق و وعظ میکند.تعمیم مرام خطبا نیز در دست روزنامه‏ها است که میتوانند بسرعت ممکنه نطقهای آنها را در ستونهای‏ جرائد درج نموده دنیا را از آن مطلع سازند.

از وقتیکه شمارهء اخیر روزنامهء کاوه منتشر شده وقایع مهمّی تاریخی در ایران روی داده که اشاره بآنها مختصرا لازم است:

مهمّترین این وقایع انتشار خبر قرارداد انکلیس و ایران مورّخه 12 ذی القعده 1337 است و مسافرت شاه بفرنگ.راجع باین دو فقره‏ اخباری را که در جراید بنظر رسیده ذیلا درج میکنیم:

از اوایل اجتماع انجمن بین المللی صلح در پاریس دولت ایران را اراده بر آن بود که برای پیشرفتن مقاصد ملّی خود و آزاد کردن مملکت از قیود منافی استقلال کامل هیئتی بپاریس بفرستد.پس از مدّتها تعویق و تأخیر بالأخره ریاست این هیئت منظوره را بمیرزا ابو القاسم خان ناصر الملک‏ که در لندن بود تکلیف کردند و او قبول نکرد بعد بمیرزا حسن خان مشیر الدّوله تکلیف شد وی نیز ردّ کرد بعد میرزا حسن خان وثوق الدّوله‏ رئیس الوزرا خود خیال حرکت برای این مقصود داشت در این اثنا اعلیحضرت‏ شاه این کار را بعلیقلی خان مشاور الممالک وزیر امور خارجه تکلیف کرد و او را بر آن داشت که با هیئت مزبور که مرکّب از آقایان میرزا محمّد علی خان ذکاء الملک و میرزا حسن خان علائی(معین الوزارهء سابق)و غیره بود بپاریس‏ بروند.این هیئت عازم پاریس شدند و چندین ماه در آنجا همه‏گونه جدّ و جهد برای انجام مأموریّت خود کردند لکن بدبختانه از مقصود آنها پیش نرفت و انجمن صلح آنها را بحوزهء خود راه نداده مطالب آنها را هم موضوع بحث و ملاحظه قرار نداد و نفوذ آنهائی که در مجلس صلح مایل‏ بقبول استماع مطالب هیئت ایرانی بودند در مقابل مقاومت بعضی دیگر که مایل نبودند مغلوب شد.در این اثنا یک مرتبه خبر عقد یک قرارداد داد میان انگلیس و ایران بطور ناگهانی منتشر شد و معلوم گردید که پس‏ از نه ماه مذاکرات مخفی در طهران میان سفارت انگلیس و وزرای ایران‏ این قرارداد بسته شده است.از انتشار این خبر فجاتی هیئت ایرانی‏ پاریس منحلّ شد و یک ولولهء عظیمی هم در ممالک اروپا و آمریکا در گرفت.فرانسه‏ها و بلژیکیها و ایتالیها و آمریکائیها از این فقره نا راضی و حتی خشمگین شدند و قیل و قال زیادی از مجاری رسمی و غیر رسمی بلند شد.در داخلهء ایران هم اعتراضات بعمل آمد و هنوز هم‏ دنبالهء آن تمام نشده است.

متن عهدنامههء مزبور که در لندن در 17 ذی الحجّه 1337(16 اوت‏ 1919)بشکل جزوهء سفیدی نشر شد عینا از روزنامهء«تیمس»لندن‏ ترجمه میشود1:

(1)متن فارسی ترجمهء تحت اللّفظی دقیق عین عبارت قرارداد انگلیسی است.

1-قرارداد بین دولت انگلیس و ایران:

مقدّمه:بمقتضای روابط محکم مودّت که در گذشته میان دو دولت موجود بوده و با یقین باینکه مقتضای منافع اساسی و مشترک هر دو دولت در آینده آنست که‏ این علایق تحکیم و تشیید شود و اینکه ترقّی و آبادی و رفاه ایران با نهایت‏ جدّ باید تقویت و پیش برده شود بموجب این قرارداد میان دولت‏ ایران از یکطرف و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاهی انگلستان بنام دولت‏ خودش از طرف دیگر در مطالب ذیل اتّفاق حاصل شده و مقرّر شد:

1)دولت انگلیس بطور مطلق و صریح‏ترین وجهی تعهدّاتی را که مکرّرا در گذشته برای مراعات کامل استقلال و درستی ایران داده‏اند تکرار میکنند.

2)دولت انگلیس بمخارج دولت ایران خدمات هر نوع مستشاران اهل خبره‏ و بصیرت را که پس از مشاوره میان دو دولت برای شعبه‏های مختلف ادارهء دولتی ضروری شمرده شود خواهند رسانید.این مستشاران بتوسّط مقاوله‏ نامه‏ها استخدام شده و بآنها اقتدارات کافیه که ماهیّت آن موکول بقراری‏ است که میان دولت ایران و مستشاران بعمل آید داده خواهد شد.

3)دولت انگلیس بمخارج دولت ایران آنچه از صاحبمنصبان نظامی و ذخیرهء جنگ و تجهیزات از نوع تازه را که هیئت مختلط اهل خبرهء نظامی‏ انگلیس و ایران ضروری بداند خواهند داد:این هیئت مختلط بعدها بقصد تخمین و سنجیدن احتیاجات ایران راجع بتشکیل یک قوهء یکنواختی که دولت‏ ایران ایجاد آنرا برای برقراری و حفظ نظم در مملکت و سرحدّات آن در نظر دارد منعقد خواهد شد.

4)بقصد پول رسانیدن برای اصلاحات مذکوره در موادّ 2 و 3 از این‏ قرارداد دولت انگلیس حاضرند یا خود قرض معتدّبهی برای دولت ایران‏ بدهند و یا راه بیندازند برای این قرض از طرف دو دولت بمشورت‏ همدیگر محلّ ضمانت لازمه را از عایدات گمرکات یا منابع دیگر عایدی که در اختیار دولت ایران هست پیدا خواهد شد.تا موقع تکمیل مذاکرات برای‏ چنین قرضی دولت انگلیس بطور علی الحساب از همان قرض مبالغی را که‏ ممکن است بجهت شروع باصلاحات مزبوره ضرور شود خواهند رسانید.

5)دولت انگلیس کاملا ملتفت احتیاج فوری که برای اصلاح حال مناقلات در ایران است بوده و بلحاظ توسیع تجارت و هم جلوگیری از قحط و غلا حاضر هستند که با دولت ایران برای تشویق همّت‏1انگلیسی و ایرانی‏ در این زمینه خواه بوسیلهء بنای خطّ آهن و خواه سایر اشکال حمل‏ونقل‏ همدستی نمایند ولی همیشه مشروط بتدقیق مسائل از طرف اهل خبره و اتّفاق‏ میان دو دولت راجع بنقشهء مخصوصی که ضروری‏ترین و عملی‏ترین و سودمندترین‏ نقشه‏ها تواند شد.

6)هر دو دولت متفّق هستند در اینکه بعدها یک هیئت مختلطی از اهل خبره‏ برای تدقیق و تجدیدنظر در تعرفهء حالیّهء گمرکی بقصد از نو ساختن‏ این تعرفه روی شالوده‏ای که موافقت با منافع حّقهء مملکت و رفاه و سعادت آن‏ در آن منظور شده باشد تعیین شود.

امضا شد در طهران 9 اوت 1919.

2-قرارداد راجع بقرض 000‘000‘2 لیرهء انگلیسی از قرار تنزیل صدی هفت و قابل تأدیه در 20 سال:

مقدّمه:مقاوله‏نامه میان دولت انگلیس و دولت ایران راجع بیک قراردادی که‏ امروز میان دولتهای مزبور منعقد شد.مطالب ذیل مقرّر شد:

مادّهء 1.دولت انگلیس یک قرضی معادل 000‘000‘2 لیرهء انگلیسی بدولت ایران‏ میدهند که بدولت ایران هرطور که خواسته شود باقساطی و در تواریخی‏ (1)مقصود معنی کلمهء فرنگی ẓEntrepriseẒ است که کملهء مطابقی برای آن فعلا بنظر نرسید.در عربی«مشروع»و در فارسی شاید«اقدام»توان گفت.لکن‏ شاید کلمهء«همّت»اگر معمول شود بهتر از الفاظ دیگر است.لفظ«تشبّت»که‏ بعضی باقتباس از زبان ترکی اخذ و استعمال کرده‏اند نیز مدلول مطابقه ندارد.

که دولت ایران تعیین بکند تأدیه شود ولی پس از آنکه مستشار مالیّهء انگلیسی بشغل ادارهء خود در طهران چنانکه در قرارداد سابق الذّکر مقرّر شده مباشرت کرده بوده باشد.

مادّهء 2.دولت ایران تعهّد میکند که ماهانه تنزیل پول را از قرار صدی هفت سالیانه‏ برای وجوهاتی که بموجب مادّهء اوّل داده شده تا 20 مارس 1921 پرداخته و پس از آن تاریخ هر ماهه مبلغی را که کافی استهلاک اصل قرض‏ و فرع صدی هفت سالیانهء آن در 20 سال باشد خواهد پرداخت.

مادّهء 3.تمام مالیّات و عایدات گمرکات که بموجب مقاوله‏نامهء 8 ماه مه سنهء 1911 میلادی‏1برای تأدیهء قرض 000‘250‘1 لیره‏ای تخصیص شده‏اند بتأدیهء قرض حالیّه تخصیص میشوند با بقای تمام شرایطی که در مقاوله‏نامهء مزبوره درج است و با داشتن تقدّم بهمهء قروض دیگر بجز قرض سنهء 1911 و مساعده‏های بعد از آن‏که دولت انگلیس داده.-در صورت عدم کفایت‏ عایدات مذکور در فوق دولت ایران متعهّد میشود که وجوه لازمه از سایر منابع تهیّه و تکمیل نماید و برای این مقصود دولت ایران بتأدیهء اقساط این قرض حالیّه و سایر مساعده‏های مذکور در فوق با حقّ تقدّم و بقای‏ شرایط مندرجه در مقاوله‏نامهء مزبور عایدات گمرکات تمام نقاط دیگر را تا آنجا که این عایدات فعلا در اختیار دولت ایران بوده یا بعدها خواهد بود بموجب این قرارداد تخصیص مینماید.

مادّهء 4.دولت ایران حقّ تأدیهء این قرض را در هر تاریخی از عایدات هر قرض‏ انگلیسی که ممکن است عقد کند خواهد داشت.

امضا شد در طهران.9 اوت 21919.

غیر از این دو فقره قرارداد در همان روز عقد این قرار داد دو فقره مراسلهء جداگانه هم وزیر مختار انگلیس در طهران‏ سیر پرسی‏کوکس بوثوق الدّوله رئیس الوزرای ایران نوشته‏ است که در یکی از آنها پس از مدح رئیس الوزرا و اظهارات راجع‏ بدوستی صمیمی دولت انگلیس نسبت با ایران و برئیس الوزرا اظهار میکند که دولت انگلیس در صورتیکه قرارداد مذکور در فوق منعقد بشود حاضر خواهد شد که در موقع خود با دولت ایران در خصوص‏ بعضی مطالب مانند تجدیدنظر در عهدنامهای میان ایران و انگلیس‏ و ادّعای ایران راجع بخساراتی که در اثنای جنگ از طرف دول محارب‏ غیر از انگلیس بمملکت ایران وارد شده و اصلاح سرحدّات در آن نقاطی‏ که هر دو دولت صلاح بدانند تأیید و همدستی کند.کاغذ دوّم راجع‏ باین است که دولت ایران تعهّد میکند که هیچ ادّعائی نسبت بخسارات‏ وارده از قشون انگلیس نکند و دولت انگلیس نیز هیچ ادّعائی راجع‏ بمخارج قشون انگلیس از دولت ایران نخواهد کرد.

اعتراضاتی که در ایران باین قرارداد شد عبارت بود از یک سلسله‏ مقالاتی که در روزنامهای نیم‏رسمی طهران از طرف اشخاص مختلف درج‏ (1)رجوع شود به«کاوه»31-32 موّرخهء 9 محرّم 1328،در مقالهء «استمهال در اقساط قروض ایران»،قرض 8،صفحهء 7.

(2)شاید بی‏مزه نباشد جلب توجّه باین نکته که از اوّل تا آخر این قرارداد همه‏جا ضمایر به«دولت انگلیس»جمع آورده شده مثل«تکرار میکنند»و«خواهند رسایند»و«خواهند داد»و«حاضرند»و غیره و ضمایر راجع به«دولت ایران» عموما مفرد درج شده مانند«در نظر دارد»و«تعیین بکند»و«تعهدّ میکند»و «خواهد پرداخت»و«خواهد داشت».(و باید دانست که در زبان انگلیسی‏ ضمایر راجع بلفظ«دولت»را بلافرق هم مفرد و هم جمع میشود استعمال کرد). این نکته را ابتدا یک خانمی که متن انگلیسی قرارداد را میخواند ملتفت‏ شده است.

میشد ولی آثار تصنّع و در زیر فشار بودن از آنها ظاهر بود و واضح‏ است که اگر آزادی بیشتری بود اعتراضات بیشتر و شاید شدیدتری میشد. از طرف دیگر در میان مردم و افکار عامّه نیز آثار مادّهء نارضائی استنباط میشود و گاهی منجّر باظهارات بی‏پروا هم شد که نتیجه‏اش برای اعتراض‏ کنندگان تبعید و گرفتاری گردید.در خارجه نیز ابتدا روزنامهء«تان» و«دبا»و سایر جراید فرانسه برضدّ قرارداد سخت داد و فریاد کردند. بعد در ایتالی ولوله برپا شد.جراید بلژیک اثر دلگیری دولت خود را از این قرارداد و تأثیر آن بمنافع بلژیک در ایران و مستخدمین بلژیکی‏ ایران اظهار داشته و شکوه آغازیدند.از همه مهمّتر اعتراض لانسینگ‏1 وزیر امور خارجهء آمریکا بود که در پاریس صریحا شکایت خود را از این قرارداد اظهار داشته و در 18 ذی القعده در بین اظهارات تنقید آمیزی از سیاست و جهانگیری انگلیس دربارهء ایران چنین گفت:

«آمریکا بیهوده کوشش کرد که هیئت ایرانی در پاریس در انجمن صلح حضور بهمرساند و مقاصد و مطالب خود را اظهار نماید و حتّی سعی نمایندگان ملیّون ایرانی هم‏ در پاریس برای مذاکره بالا رد کرزن بجائی نرسید.در این اثنا سفیر انگلیس در طهران با یک دسته کوچکی از سیاسیّون یک عهدنامهء مخفی بست.این دستهء کوچک‏ سیاسیّون فورا پس از عقد صلح ادارهء امور را بدست آورده بودند و هیئت ایرانی که‏ در پاریس بود از کار افتاد و منحلّ شد.خلاصه یک بازی خطرناک و محرمانه‏ای در آورده شد.»

در 18 ذی الحجّه خبر میرسد که بواسطهء ضدّیت مردم با قرارداد انگلیس و ایران منعقد در 12 ذی القعده دولت قریب بیست‏ نفر از پیشروان مخالفین را که بعضی از وزرای سابق بودند گرفتار کرد و بکاشان فرستاد.در طهران هم مخالفین را با شدّ عقوبات تهدید کرده‏ است.بعدها خبر رسید که که اشخاص گرفتار شده عبارت است از میرزا اسمعیل خان ممتاز الدّوله و مرتضی خان ممتاز الملک و غیرهم و بنا بر مسموع حاجی آقا محمّد معین التّجار بوشهری و جمعی دیگر از تجّار و اصناف نیز در جملهء آنها بوده‏اند.

در جراید خارجه در حدود دههء دوّم محرّم 1338 خبری‏ منتشر شد که بواسطهء ضدّیت مردم بقراداد انگلیس و ایران منعقده در 12 ذی القعده در ایالت آذربایجان شورشی شده و مردم بر ضدّ دولت‏ برخاسته حاکم را که ولی خان سپهسالار باشد اخراج کرده‏اند.ولی در جراید طهران اثری از این خبر نیست مگر حرکت سپهسالار از تبریز بطهران و کفالت سردار معتضد حکومت آذربایجان را.

دولت ایالات متحدّهء آمریکای شمالی توسّط وزیر مختار خود در طهران در 13 ذی الحجّه 1337 اخطارنامه‏ای خطاب بملت ایران نشر میکند که صورت آن از قرار ذیل است‏2:

«مورّخهء 13 ذی الحجّه 1337(9 سپتامبر 1919).

نظر بمطالب غیر واقعی که در مقالهء مورّخهء نوزدهم اوت(22 ذی‏ القعده)روزنامهء«رعد»راجع برویّهء پرزیدنت ویلسن و مأمورین صلح‏ (1) Lansing

(2)نقل از رونامهء«رعد»منطبعه طهران شماره 129.

امریکا و مملکت اتازونی نسبت بایران مندرج بود مقتضی است ابلاغیّه‏ای‏ که از واشنکتن صادر شده است تقدیم دارد:

طهران-سفارت آمریکا.

دولت اتازونی بشما تعلیم میدهد زمامداران ایران و اشخاص علاقه‏مند این مسئله را تکذیب نمائید که دولت اتازونی از مساعدت نسبت بایران امتناع‏ ورزیده است.

امریکا همواره علاقهء خود را برای سعادت ایران بطرق بسیار اظهار و ابراز داشته.مکرّر کوشش و مجاهدت کرده‏اند سخنان نمایندگان‏ ایران در کنفرانس صلح مورد استماع قرار دهند.نمایندگان آمریکا متعجّب بودند چرا مجاهدت آنها بیش از این بتقویت و مساعدت تلقّی‏ نمیشود لکن اکنون معاهدهء جدید معلوم میدارد که بچه علّت آمریکائیها قادر نبودند سخنان نمایندگان ایران را باصغا برسانند.و نیز معلوم میگردد که‏ دولت ایران در طهران با مساعی نمایندگان خود در پاریس مساعدت و تقویت‏ کافی ننمود.

دولت اتازونی معاهدهء جدید ایران و انگلستان را با تعجّب تلّقی مینماید. معاهدهء مزبور معلوم میدارد با وصف آنکه نمایندگان ایران در پاریس‏ علنا مؤکّدا طالب مساعدت و همراهی آمریکا بودند ایران از این ببعد مایل بکمک یا تقویت آمریکا نمیباشد.

طهران-سفارت آمریکا.

در 18 محرّم 1338 خبر رسیده که آمریکا که در سالهای اخیر ماهیانه بمقدار 000،200 تومان آزوقه برای امور خیریّه بایران میفرستاد پس‏ از بسته شدن عهدنامهء انگلیس و ایران دیگر از این کار صرف‏نظر کرده است.

در 27 محرّم 1338 تلگرافا خبر میدهند که دولت آمریکا ابلاغیّهء سفارت آمریکا را در طهران که در جراید ایران در باب ناراضی بودن‏ دولت خود از قرارداد انگلیس و ایران منتشر کرده بود رسما نشر میکند.روزنامهء«ورلد»1که ناشر خیالات و تکیه‏گاه فرقهء دولت‏ و رئیس جمهور است مینویسد که بموجب اطلاع او دولت انگلیس یادداشتی‏ بدولت آمریکا فرستاده راجع باخبار قرارداد انگلیس و ایران و خواهش‏ تصدیق این قرارداد و جوابی که دولت آمریکا باین یادداشت داده یکی از سخت‏ترین و درشت‏ترین اسنادی است که وزارت خارجهء لندن تا امروز دریافت کرده است.

s? راجع بمسافرت اعلیحضرت شاه آنچه اطّلاع داریم مقدمّهء آن‏چنان‏ است که از اوایل متارکهء جنگ عمومی در 6 صفر 1337 اعلیحضرت سلطان‏ احمد شاه میل تفرّج و سیاحت بفرنگستان را داشت و در ماه رجب 1337 از مأخذهای خصوصی مسموع میشد که اعلیحضرت جدّا مایل مسافرت هستند و برای انجام این مقصود و تسهیل اسباب این سفر از طرف انگلیسها و همچنین پذیرائی در انگلیس مذاکرات میان دولت ایران و انگلیس‏ جاری است.انگلیسها بعضی شرایط و تقاضاها کردند که انجام‏ خواهش اعلیحضرت را موکول بانجام آن مقاصد نمودند و از قراین‏ اتّفاقات بعد مستفاد میشود که مقصود طرفین انجام گرفت و بنا شد شاه در اوایل ذی الحجّه حرکت کند لکن چون دولت انگلیس در اوایل ذی‏ القعده بغتة مصمّم شد که تخلیهء قفقازیّه را که در اوایل محرّم 1337 بنا بود بعمل بیاید در 18 ذی القعده شروع کند لهذا اعلیحضرت شاه در 15 ذی القعده حرکت نمود و در 16 ذی القعده بانزلی وارد شده و از آنجا بباکو گذشته در 21 ذی القعده وارد اسلامبول شد.

در اسلامبول با سلطان عثمانی ملاقات کرده و پدر و مادرش را هم که‏ در جزیرهء پرنکیپو در حوالی اسلامبول سکنی دارند ملاقات نموده و از اسلامبول با کشتی جنگی انگلیسی موسوم به سرسن سفر کرده و در 6 ذی‏ الحجّه به تارانتو در ساحل ایتالی رسید.از ایتالی فورا بسویس مسافرت‏ کرد و در 7 ذی الحجّه در شهر بریگ از بلاد سوسیس و در 8 آن ماه‏ باسم عبّاس میرزا به مونترو رسید.در 15 ذی الحجّه در ژنو بوده‏ و بعد از مدّتی گشت وگذار در سویس و دیدن اینترلاکن و لوزان و غیره‏ در 9 محرّم 1338 ساعت شش صبح بپاریس ورود کرد و تا 6 صفر (آخر اکتبر 1919)در فرانسه بود.در 5 صفر در الیزه پذیرائی‏ شده و در 6 صفر از پاریس حرکت کرد و دو ساعت بعد از ظهر با کشتی موسوم بآلکساندرا که دو کشتی جنگی محرّب تورپیدو نیز با آن همراه‏ بود به دوور بندر انگلیسی پیاده شدند.همراهان شاه عبارت بودند از شاهزاده حسینقلی میرزای نصرت السّلطنه،شاهزاده فیروز میرزای نصرت‏ الدوله وزیر امور خارجه،شاهزاده اسد اللّه میرزای شهاب الدّوله رئیس‏ تشریفات،میرزا اسحق خان مفخّم الدّوله سفیر ایران در رم،شاهزاده‏ محمّد حسین میرزای اجودان،معین الملک منشی حضور،لقمان الدّوله‏ و حکیم الدّوله طبیب مخصوص و مشار السّلطان پیشخدمت‏باشی.در موقع‏ ورود بلندن خود پادشاه انگلیس بایستگاه راه‏آهن آمده بود و از بزرگان و وزرا هم عدّهء زیادی همراه وی بودند.در چند روزی که شاه‏ در انگلستان بود پذیرائی شایان دقّت از او بعمل آمد چنانکه پادشاه انگلیس در بوکینگام پلاس(قصر سلطنتی)و لارد کرزن وزیر امور خارجهء انگلیس در خانهء خود و کلانتر شهر در دار الحکومه میهمانی مفصّل نمودند.سلطان احمد شاه در 10 صفر شهر مانچستر و در 11 صفر ادمبرگ و روزیگ‏ از بلاد اسکوتلاندرا تماشا کرده در 13 صفر دوباره بپاریس برگشت.

s? از مطالعهء جراید طهران دیده میشود که در این اواخر دولت‏ ایران در تمام مملکت بقطع ریشهء دزدان و راهزنان مشغول است و در خیلی‏ جاها آنها را بدار آویخته و مجازات میکند.این فقره اگر تکمیل و دنبال شده‏ و بعدالت و بیطرفی بدون واسطه بازی و اعمال غرض اجرا شود زمینهء آسایش و راحت را که اوّل شرط زندگی است برای اهالی مملکت فراهم‏ خواهد کرد.

از جمله نایب حسین کاشی و پسرش ما شاء اللّه خان دستگیر و بحکم‏ دولت بدار آویخته شدند.نایب حسین از دزدان مشهوری بود که‏ زیاده از ده سال است با پسران خود امنیّت را در حوزهء ولایت کاشان‏ مختلّ کرده بود.ما شاء اللّه خان در طهران بود و در 26 ذی القعده‏ سنه 1337 حکم بگرفتاری او داده شد و در 3 ذی الحجّه آن سال با یکی‏ از یاوران خود موسوم بپهلوان رضا بدار زده شد.چند روز بعد از آن نایب حسین نیز در حوالی کاشان دستگیر شده او را بطهران آورده‏ و در 20 ذی الحجّه مانند پسرش بمجازات رساندند.

رضای جوزانی نیز که از دزدان معروف حوزهء اصفهان بوده و چند سال است که یک ستون از جراید طهران را بخود مشغول داشته بود در 28 ذی القعده 1337 بحکم سردار جنگ بختیاری در اصفهان در میدان‏ شاه بقتل رسانیده شد.

s? بنابر اخبار جراید در شیراز شرکتی تأسیس شده برای ساختن‏ راه اتومبیل‏رو میان بوشهر و اصفهان و سرمایهء این شرکت چهارده‏ قسمت تعیین شده و هشت قسمت از آنرا عبد الحسین میرزای فرمانفرما حاکم فارس خود قبول کرده و باقی میان تجّار شیراز تقسیم شده است.

s? در طهران سفارت انگلیس و سفارت فرانسه دستگاه گرفتن تلگراف‏ بی‏سیم در سفارتخانهء خود دایر کرده‏اند.

s? انتخابات برای مجلس ملّی چهارم در جریان است و در آذربایجان‏ و گیلان و خراسان و عربستان و کرمان در ماه ذی القعده و ذی الحجّه‏ 1337 گرفتن تعرفه و دادن رأی مداومت داشته است.

s? دولت ایران جدید لهستان(پولونی)را رسما شناخت.

s? علیقلی خان مشاور الممالک بسفارت اسلامبول مأمور گردید.

s? جنگ افغان و انگلیس که در غرّهء شعبان 1337 شروع شده‏ بود در جمعهء 11 ذی القعده همان سال یک ساعت بظهر مانده تمام شد.

سلسلهء انتشارات«کاوه»

(1)گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران...30 مارک

(2)کشف تلبیس یا دوروئی و نیرنگ انگلیس از روی اسناد محرمانهء انگلیسی در باب ایران...8 مارک

(3)جنایت روس و انگلیس نسبت بایران...50،1 مارک

(4)مختصر تاریخ مجلس ملّی ایران...8 مارک

کتابهای فوق در ادارهء کاوه بفروش میرسد و بطالبین بشرط فرستادن قیمت قبلا و یا بطور ادای‏ در موقع تسلیم توسّط پست ارسال میشود.بکسانی‏ که خرید کلّی کنند و بکتابفروشها تخفیف مهمّ داده میشود

(مخارج پست علاوه میشود